

# دوخته نشد

## گذرا یا ناگذرا؟

محمد قاسمی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان

### چکیده

فعل مجهول «دوخته نمی‌شد» را در اکثر کتب کمک‌آموزشی و کتاب راهنمای معلم زبان فارسی (۳)، گذرا به مفعول دانسته‌اند. در این مقاله مختصر، با مروری بر ظرفیت افعال در زبان فارسی و آوردن صورت معلوم و مجهول فعل مذکور در جملاتی به این نتیجه رسیده‌ایم که فعل «دوخته نمی‌شد» با توجه به معانی فعل «دوختن»، از نظرگاه نحوی می‌تواند ناگذرا یا گذرا به متمم باشد.

### کلیدواژه‌ها: ویژگی‌های

فعل، ظرفیت افعال، گذرا و ناگذرا، معلوم و مجهول

### مقدمه

هر جمله از دو قسمت نهاد و گزاره تشکیل می‌شود و فعل، مهم‌ترین جزء گزاره است. در فعالیت ص ۴۹ درس هفتم زبان فارسی سوم

ریاضی - تجربی تعدادی فعل داده شده است تا در مورد ویژگی‌های پنج‌گانه آن‌ها بحث و گفت‌وگو شود. فعل «دوخته نمی‌شد» یکی از آن افعال است که در اکثر کتب کمک‌آموزشی و کتاب راهنمای معلم زبان فارسی (۳) گذرا به مفعول معرفی شده است. در این مقاله کوتاه با مروری اجمالی بر ظرفیت افعال در زبان فارسی، درباره فعل مذکور بحث و گفت‌وگو می‌کنیم.

### ظرفیت افعال در زبان فارسی

فعل مرکز ثقل جمله است و با توجه به ظرفیت آن، اجزاء جمله مشخص می‌شود. فعل ناگذرا فعلی یک‌طرفیتی است که فقط به نهاد نیاز دارد و جمله دوجزئی می‌سازد. افعال گذرا، دوظرفیتی یا سه‌طرفیتی هستند و به ترتیب جمله‌های سه‌جزئی و چهارجزئی می‌سازند. افعال ناگذرا یا گذرا وقتی گذرا می‌شوند، یک جزء به اجزاء جمله و یک ظرفیت به ظرفیت خود فعل افزوده می‌شود. در مقابل چنین فرایندی، مجهول‌سازی قرار دارد که باعث می‌شود از نظر نحوی، یک ظرفیت از فعل کاسته شود. با توجه به مطالب فوق و کتب زبان فارسی دوره متوسطه، افعال از نظر ظرفیت عبارت‌اند از:

### الف) افعال یک‌طرفیتی (جملات دوجزئی)

۱. افعال ناگذرا: بچه خوابید.
۲. صورت مجهول افعال گذرا به مفعول: لباس دوخته نمی‌شد.
۳. صورت مجهول افعال گذرا به متمم: به کوه نگر بسته می‌شود.<sup>۱</sup>

### ب) افعال دوظرفیتی (جملات سه‌جزئی)

۱. افعال گذرا به مفعول: خیاط لباس را نمی‌دوخت.
۲. افعال گذرا به متمم: دانش‌آموزان به کوه

در نظام معنایی زبان،  
تغییرات معنایی  
واژگان در طول زمان  
و در هم‌نشینی با دیگر  
واژگان بررسی می‌شود

می‌نگرند.

۳. افعال گذرا به مسند: هوا سرد است.

۴. صورت مجهول افعال گذرا به مفعول و متمم: کتاب‌ها از کتابخانه خرید شده‌اند.

۵. صورت مجهول افعال گذرا به مفعول و مسند: حافظ لسان‌الغیب خوانده می‌شود.

۶. صورت مجهول افعال گذرا به متمم و مسند: به او پهلوان گفته می‌شد.

۷. صورت مجهول افعال گذرا به مفعول و مفعول: دیوار زنگ زده می‌شود.

ج) افعال سه‌ظرفیتی (جملات چهار جزئی)

۱. افعال گذرا به مفعول و متمم: دانشجویان کتاب‌ها را از کتابخانه خریدند.

۲. افعال گذرا به مفعول و مسند: مردم ایران حافظ را لسان‌الغیب می‌خوانند.

۳. افعال گذرا به متمم و مسند: اهل محل به او پهلوان می‌گفتند.

۴. افعال گذرا به مفعول و مفعول: نقاش دیوار را رنگ می‌زند.

### دوخته نمی‌شد

در نظام معنایی زبان، تغییرات معنایی واژگان در طول زمان و در هم‌نشینی با دیگر واژگان بررسی می‌شود. بنابراین، تعیین معنای دقیق کلمات، خارج از جمله ممکن نیست. پس، در فعالیت کتاب نیز افعال مورد نظر باید در داخل جمله‌ای می‌آیند یا از مخاطبان خواسته می‌شد که با قرار دادن آن‌ها در داخل جمله‌ای، ویژگی‌هایشان را مشخص کنند. فعل «دوخته نمی‌شد» فعل مجهولی است که با توجه

به معانی ذکر شده برای واژه «دوختن»<sup>۲</sup> در فرهنگ معین، آن را در جمله‌هایی جداگانه به صورت معلوم به کار می‌بریم. سپس، آن‌ها را به مجهول تبدیل و ظرفیت فعل را در آن‌ها بررسی می‌کنیم.

۱. خیاط لباس را نمی‌دوخت. (نهاد+ مفعول+ فعل معلوم دو ظرفیتی)

لباس دوخته نمی‌شد. (نهاد+ فعل مجهول یک ظرفیتی)

۲. رستم با تیر و کمان، شغاد را به درخت دوخت. (نهاد+ مفعول+ متمم+ فعل مجهول سه ظرفیتی)

شغاد با تیر و کمان به درخت دوخته نمی‌شد. (نهاد+ متمم+ فعل مجهول دو ظرفیتی)

با دقت در جمله‌های بالا درمی‌یابیم که فرایند مجهول‌سازی از نظرگاه نحوی، ظرفیت افعال را دگرگون ساخته و یک ظرفیت آن‌ها را کاسته است.

فعل «دوخته نمی‌شد» در جمله اول، یک ظرفیتی (ناگذرا) و در جمله دوم، دو ظرفیتی (گذرا به متمم) است.

### نتیجه‌گیری

به سبب تغییرات معنایی واژگان در اثر گذر زمان و هم‌نشینی با سایر واژگان در بافت موقعیت کلام، تعیین معنای آن‌ها خارج از جمله ممکن نیست. فعل مجهول «دوخته نمی‌شد» حداقل در دو معنا به کار رفته است که در معانی متفاوت خود، می‌تواند ناگذرا یا گذرا به متمم (نه گذرا به مفعول) باشد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. در جملات مجهول، پس از حذف نهاد جمله معلوم، مفعول در جایگاه نهاد قرار می‌گیرد؛ بنابراین، در جملات معلومی که مفعول مستقیم ندارند، در شکل مجهول آن‌ها مفعول غیرمستقیم (متمم فعلی) نهاد واقع می‌شود.

۲. دو تکه پارچه را به وسیله سوزن و نخ به هم پیوستن؛ با تیر یا نیزه درع و زره را به بدن دشمن پیوستن (فرهنگ معین).

### منابع

- ۱. حق‌شناس، علی‌محمد و همکاران، (۱۳۸۹). زبان فارسی (۳) رشته نظری به استثنای رشته ادبیات و علوم انسانی. چاپ دوازدهم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ۲. طیب‌زاده، امید. (۱۳۸۵). ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز. تهران: نشر مرکز.
- ۳. عزتی‌پور، احمد و اسماعیلی، محسن. (۱۳۸۴). کتاب معلم زبان فارسی (۳). چاپ چهارم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ۴. معین، محمد. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی. جلد دوم. چاپ نهم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۵. وحیدیان کامیار، تقی و همکار. (۱۳۸۰). دستور زبان فارسی (۱). تهران: سمت.